

در چندسال اخیر، بررسی نظام های آموزشی مدارس کشورهای جهان و نیز تغییرات صورت گرفته در ابعاد مختلف آنها مورد توجه پژوهشگران و دست اندرکاران مسائل آموزشی کشورمان قرار گرفته، که بصورت کتاب ها و یا مقالات متعدد بچاپ رسانده اند.^۱ در زمینه روش ها و مسائل آموزش جغرافیا نیز تاکنون چندین مقاله در مجله رشد آموزش جغرافیا به تحریر درآمده اند.^۲ اولین مقاله در این خصوص با عنوان «آموزش جغرافیا در جمهوری فدرال آلمان» در شماره ۲ مجله مذکور منتشر شد، که میتوان آن را قدم اولیه حرکت در این جهت بشمار آورد.^۳ از این رو در مقاله حاضر کوشش شده تا اصول و مبانی تدریس این علم در کشور آلمان و نیز جنبه های محتوایی مطالب، تغییرات و دیدگاههایی که در آنها در نیم قرن اخیر صورت گرفته است، به تصویر درآمده و به تشریح و تبیین آنها پردازیم. باید دانست که هدف اصلی، تنها بررسی نظام های آموزشی و شیوه های تدریس جغرافیا در این کشور - و بطور کلی کشورهای جهان - به منظور شناخت نیست، بلکه دست یافتن به روش های علمی نوین از بعد مطالعات تطبیقی و استفاده صحیح از تجربیات دیگر آگاهان و

متخصصان برای کشورمان مدنظر قرار دارد.

انتخاب این کشور بعنوان نمونه، نه تنها بجهت آشنائی نویسندگان از آن در ابعاد گوناگون می باشد، بلکه دانش جغرافیا در کشور آلمان ضمن داشتن ریشه های سنتی و عمیق از تحولات و پیشرفت های چشمگیری بویژه از سده نوزدهم به بعد برخوردار بوده است، که بازتاب آن از یکسو در جهت کاربردی کردن هر چه بیشتر علم جغرافیا و از سوی دیگر غنا بخشیدن به مباحث نظریه ای (تئوریک) آن میتوان مشاهده نمود. بی شک پیامدهای چنین تطور و تکاملی در سطوح پائین تر از مراکز آموزش عالی، چون مدارس، منعکس می شود.

مقدمه

چهره ای که امروزه از آموزش جغرافیا در آلمان نشان داده می شود، نه تنها از دید یک مشاهده گر خارجی و یا یک فرد آلمانی بلکه حتی از نظر پژوهشگران، بسیار متنوع یا چند جانبه و یا شاید پیچیده و گیج کننده است. تنوع و چندوجهی بودن جغرافیا در مدارس کنونی این کشور از یک سو باید پیامد بحث های طولانی و مداوم در خصوص وظایف، ماهیت و ساختار این رشته علمی و



LEBENSRAUM STADT:
Raum zum Leben?



از طرف دیگر نتیجه گوناگون بودن کتاب های درسی در سطح کشور در چهارچوب ساختار نظام حکومتی - سیاسی بشکل فدرال دانست . مورد دوم بدین مفهوم است که هریک از ایالت های جمهوری فدرال آلمان در زمینه مسائل آموزشی خود، از استقلال نسبتاً کاملی برخوردار می باشند . اثرات نظام سیاسی فدراتیوپس از وحدت دو آلمان، یعنی الحاق استان های کشور جمهوری دموکراتیک آلمان سابق (آلمان شرقی) به نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور فدرال آلمان (آلمان غربی)، در این زمینه بیشتر آشکار می گردد . زیرا آلمان شرقی برای خود دیدگاه ها و روش های علمی خاص داشته که علی رغم وحدت سیاسی این دو سرزمین سنت خویش را در مسائل علمی حفظ نموده است .^۲

۱- نظام آموزشی کشور آلمان

تنوع در پیکره بندی نظام آموزشی این کشور شاید به آن حد پیچیده و گمراه کننده باشد که شناخت و درک عمیق آن برای خارجیان، بخصوص ناآشنایان به مسایل علمی و سیاسی براحتی امکان پذیر نگردد .^۳ ریشه های اصلی چنین گوناگونی را باید در قانون اساسی پا گرفته از اندیشه نظام حکومتی فدراتیو جستجو نمود . در این نظام برخی از تصمیم گیری ها در حیطه های سیاسی، اداری و نظامی (چون:

سیاست های خارجی، مسائل دفاعی و اقتصادی در سطح جهانی) در چهارچوب دولت و بشکل متمرکز آن انجام می پذیرد، درحالیکه دیگر مسائل در حوزة اقتدار هریک از ایالت ها، بگونه خودمختاری قرار دارد .^۴ از جمله موارد خودمختاری هر ایالت میتوان به خط مشی های اداری و نظام آموزشی، همچنین امور مربوط به انتظامات داخلی اشاره نمود . از طرفی نیز برخی از وظایف در حوزة هریک از شهرستان ها (Kreis) و یا حتی بخش ها (Gemeinde) با استقلال نسبی گذاشته شده اند . در هریک از سطوح تقسیمات اداری کشور، ارگانها و سازمان هایایی وجود دارند که اعضاء یا نمایندگان برخی از آنان توسط مردم ساکن در همان شهرستان یا استان برای یک دوره زمانی معین انتخاب می شوند . از این رو بررسی مسائل حقوقی، اقتصادی و حتی قوه مقننه محلی در صلاحیت و چهارچوب هریک از ایالت ها می باشد که بر امور داخلی خود نظارت داشته و بالطبع اجازه دخالت در حیطه و قلمرو اختیارات داخلی را به دیگری نمی دهد . معذالک بایستی هماهنگی های لازم، بنابر ضرورت، مابین بخش ها، شهرستان های هر ایالت و نیز تمامی ایالات صورت گیرد .

یکی از این هماهنگی ها، که مسلماً در راستای وحدت و یکپارچگی کشور انجام می پذیرد، کمیسیون ها و نشست های مکرر از وزرای فرهنگ ایالت ها به منظور تعیین خط مشی ها و سیاست های کلی آموزشی می باشد، که در آن اصول اساسی و اهداف کلی در یک چهارچوب عمومی، مشخص و تعیین می گردد . از جمله می توان به مسأله تطبیق مراحل پایانی دوره های تحصیلی مدارس و نظام آموزشی ایالات اشاره نمود . باین وجود آنچه در این میان، در زمینه برنامه های آموزشی هر ایالت، از اهمیت بیشتر برخوردار می باشد، همانا تصمیمات اتخاذ شده در وزارت فرهنگ هر ایالت است . سیستم مدیریتی، اداری و تشکیلاتی، هریک از وزارت خانه های فرهنگ، جهت دست یافتن به اهداف و وظایف خود بگونه ای سازماندهی شده که تنها متکی بر اطلاعات، معلومات و اظهارات کارکنان و کارشناسان شاغل آن وزارت نیست، بلکه از متخصصان و پژوهشگران خارج از چهارچوب وزارت

وزارت نیز بطرز شایسته و وسیع استفاده بعمل می آید . بدین ترتیب در زمینه های گوناگون هر یک از دروس از تجربیات و دست آوردهای علمی افراد آگاه و متخصص (چون : معلمان باتجربه، پژوهشگران، اساتید دانشگاهها) که از آنان در برنامه ریزی دعوت بعمل می آید، سود برده می شود . هر چند وظیفه این کمیسیون عمدتاً تدوین، بازنگری و بهنگام کردن برنامه های آموزشی است، اما مهم ترین مسئولیت آنان را شاید بتوان ارزیابی و نهایتاً پذیرش یارد کتاب های درسی مدارس دانست

که توسط هر یک از مؤسسات انتشاراتی (خصوصی) تدوین و چاپ می‌شوند. ۷ در هر یک از مدارس نیز بنوبه خود میزگردهایی از معلمان هر رشته علمی تشکیل می‌گردد که پس از بحث و تبادل نظر، منجر به ارائه طریق و تصمیم‌گیری‌هایی می‌شود. ۸ در سیزده ایالت متحد (Bundesland) از پانزده ایالت آلمان که معلمان در شیوه، شکل و قالب بندی تدریس از آزادی عمل بیشتری برخوردارند، تصمیمات و نقطه نظرهای آنان بر مجموع خط مشی‌های اتخاذ شده در کمیسیون‌ها و میزگردهای تخصصی هر ایالت در زمینه موضوعات و مطالب دوره‌های مختلف آموزشی اثر زیاد دارند.

تحصیل در مقطع ابتدایی و نیز دوره اول متوسطه در کشور آلمان اجباری و در تمامی مقاطع و دوره‌ها رایگان است. کودکان با سن شش سال تمام به مدارس چهار ساله ابتدایی وارد می‌شوند. در مراحل بعدی نحوه و شکل آموزش متفاوت است. دانش‌آموزان ضعیف به «هاپت شوله» (یا مدارس پایسه) (Hauptschule) راه می‌یابند، که سابق بر این تا آخر سال ششم و امروزه تا آخر سال نهم (و بگونه دلخواه تا آخر سال دهم) پایان می‌پذیرد. برای دانش‌آموزان باتوان علمی بهتر «رئال شوله» (Realschule) وجود دارد که تا سال دهم در آن تحصیل می‌کنند و نهایتاً بهترین دانش‌آموزان، از نظر علمی، به دبیرستان یا «گیمنازیوم» (Gymnasium) وارد می‌شوند. دانش‌آموزان در «گیمنازیوم» پس از گذراندن سال دهم، یا «اولین مرحله از مرحله دوم آموزشی» (Sekundarstufe I) پس از دبستان، دوره سه ساله تحصیلی دیگری یا «دومین مرحله از مرحله دوم آموزشی» (Sekundarstufe 2) را شروع می‌کنند^۹ که پس از موفقیت در امتحانات به دریافت مدرک «آبیتور» (Abitur) (یادپلم متوسطه) نائل می‌گردند. ۱۰ دانش‌آموزان با کسب مدرک «آبیتور» آمادگی عمومی ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را بدست آورده و می‌توانند در یکی از آنها به ادامه تحصیل مشغول شوند. در مدارس مجتمع (Gesamtschule)، سطوح مختلف تحصیل و نیز دانش‌آموزان باتوان علمی متفاوت در زیر یک سقف جمع شده‌اند. در مقطع بالاتر، یعنی «دومین مرحله از مرحله دوم آموزشی» از دبیرستان، درس بگونه دوره آموزشی و بشکل «واحدی» و متفاوت از دوره‌های قبل بویژه دوره ابتدایی ارائه می‌شود. در این مرحله دانش‌آموزان باید از کارائی لازم برخوردار باشند، زیرا که درس نتیجه کار فکری و عملی دانش‌آموز جلوه گر می‌شود. از این رو آنها می‌توانند از یک برنامه درسی مشخص شده، رشته‌های تحصیلی و موضوعات مورد علاقه خود را در هر رشته، البته براساس ضوابط خاص، انتخاب کنند. در حیطه موضوعات جغرافیا، در این

مقطع آموزشی، نمونه‌هایی بعنوان مثال آورده خواهد شد.

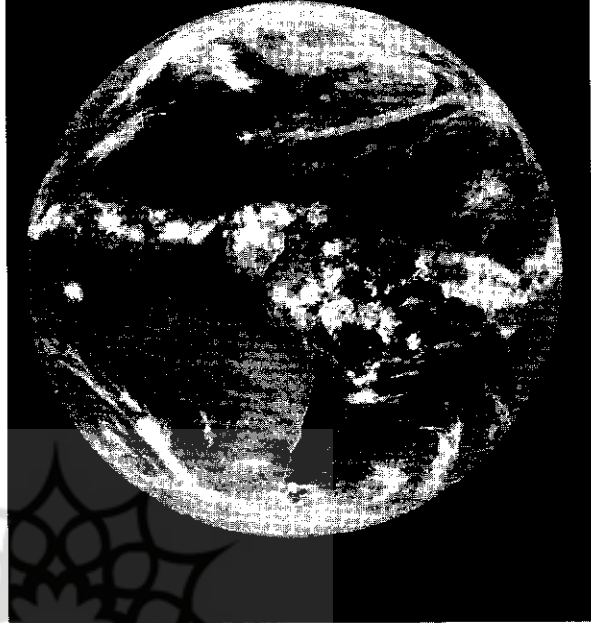
۲- آموزش جغرافیا در مدارس

در «اولین مرحله از مرحله دوم آموزشی»، جغرافیا در تمامی مدارس آلمان با اشکال مختلف بعنوان درس اصلی یا اجباری تدریس می‌شود، اما میزان و ساعات و نیز حجم درس در هر یک از ایالات متفاوت است، بطوریکه حداکثر سه ساعت در هفته تعیین شده اما معمولاً بیش از یک ساعت ارائه نمی‌گردد. در برخی از سال‌های بالاتر در بسیاری از ایالات، جغرافیا تدریس نمی‌شود. در مواردی نیز جغرافیا با تاریخ و تعلیمات اجتماعی بعنوان درس «جامعه-سیاست» ارائه می‌گردد. در بیشتر ایالات در سال پنجم، یعنی سال اول از مرحله دوم آموزشی، آموزش جغرافیای بعنوان «جغرافیای مدارس» (Erkunde)^{۱۱} شروع و در برخی دیگر این درس در سال هفتم ارائه می‌شود. در هر یک از ایالات، در سال پنجم و ششم- که در حقیقت دوره راهنمایی (Orientierungsstufe) می‌باشد- مسائل و مطالب جغرافیایی تحت عنوان کلی یک درس بررسی می‌شوند.

۱-۲- از مقدمات شناخت ناحیه‌ای تا تدریس توجیهی و هدفمند موضوعات (۷۰-۱۹۵۰)

چنانچه نگاهی به دو دهه اول بعد از تشکیل دولت جمهوری فدرال آلمان- به سال ۱۹۴۹- بیاندازیم، روشن می‌گردد که در این برهه از زمان درس «موطن‌شناسی» (Heimatkunde)^{۱۲} در سال‌های سوم و چهارم دبستان، پیش‌آهنگ آموزش جغرافیا بود. تاریخ و جغرافیای «وطن» یا «زادگاه»- به معنی ناحیه‌ای که دانش‌آموز در آن سکونت دارد-، در این مقطع تدریس می‌شد، و سپس در سال پنجم «جغرافیای مدارس» ارائه می‌گردید. در این سال تحصیلی، برای مثال در ایالت «نوردراین وست فالن» (Nordrhein- Westfalen)، کشور آلمان ناحیه به ناحیه مورد مطالعه قرار می‌گرفت و در سال بعد کشورهای اروپا در سال هفتم کشورهای آفریقا و آسیا و در سال هشتم آمریکا، استرالیا، دریاها و اقیانوس‌ها و مناطق قطبی تدریس می‌شدند. روش کلی تدریس بارعایت اصل «از نزدیک به دور» (Vom Nahen Zum Fernen) پیروی می‌کرد، که در آن هر یک از نواحی دنیا یکی پس از دیگری مورد مطالعه قرار می‌گرفتند. دست‌اندرکاران و آگاهان بر این باور بودند که چنین طبقه‌بندی محتوایی باتوان یادگیری کودک مطابقت داشته و نیز هماهنگ با استعداد فراگیری دانش‌آموزان می‌باشد. موضوعات و مطالب مربوط به مکان‌ها و نواحی نزدیک سبب برانگیختن انگیزه و بالطبع

Unser Planet



زندگی» (Landschaftsstrukturen und Lebensfragen) در آلمان با تأکید بسیار بر جنبه‌های برنامه‌ریزی فضایی - منطقه‌ای بطور پایه‌ای مورد بحث قرار می‌گرفتند.

برخلاف شرایط امروزه، می‌توان بسیاری از دیدگاهها و جنبه‌های آموزشی را در آن برهه زمانی به‌سخت آورد. برای مثال درس جغرافیا از یکسو تقریباً در تمامی سال‌های تحصیلی ارائه میشد و از سوی دیگر تفاوت‌ها مابین هر یک از ایالات در زمینه ارائه مطالب و موضوعات بسیار کم بود.^{۱۳} در ایالت «بادن-ورتمبرگ» (Baden -Wurtemberg)، درس جغرافیا با عنوان «سیری برگرد زمین» از جهت زمانی، دیگر مقاطع تحصیلی را در برمی‌گرفت و با وجود اینکه در سال نهم تحصیلی پایان می‌یافت، اما مشابه همین روش در سال‌های بعد نیز کمابیش ادامه داشت.

دست‌اندرکاران تعیین وظایف آموزش جغرافیا به‌این توافق کلی دست‌یافته بودند، که «جغرافیا وسیله‌ای جهت شناخت و آگاهی از نواحی مختلف زمین یا مردم آن» است تا اینکه بخواهد چهره‌ای از جغرافیای عمومی جهان (آن‌زمان) را نشان دهد.^{۱۴} به‌عبارت دیگر: «وظیفه آموزش جغرافیا دستیابی به آگاهی‌های درستی از تقسیمات متنوع سطح زمین بوده و در نظر دارد ضمن آشنا ساختن دانش‌آموزان با زادگاه خویش و نیز سرزمین‌های دور دست، ذهن آنان را به سوی درک صحیح از روابط ما بین شرایط و پدیده‌های طبیعی یک چشم‌انداز یا محتوای فرهنگی، همچنین اشکال اقتصادی (- شیوه‌های معیشتی-) مردمان آن هدایت کند».

بدین ترتیب جغرافیا تقسیم‌بندی مناطق یا نواحی مختلف سطح زمین را نیز مورد توجه و بررسی قرار داده و دانش‌آموزان می‌بایست چگونگی شکل‌گیری واحدهای فضایی - سرزمین‌ها و چشم‌اندازها - را از مبانی جغرافیای طبیعی و انسانی درک کنند. طرز تفکر دیگر بر این اساس بود که طبیعت بطور عام در کلیت خود و یا هر یک از عناصر آن (اقلیم، خاک، آب و غیره) بطور خاص، چگونه بر فرهنگ و اقتصاد و حتی خود مردم ساکن در هر یک از «واحدهای فضایی» (Raumeinheiten) اثر گذاشته و به آن «شکل» می‌دهد.

چنین اندیشه و برداشتی از جغرافیا مشکلات عدیده‌ای را از جهت روش تدریس نیز بوجود می‌آورد، از جمله: با بحث «سیری برگرد زمین»، از سال پنجم تا سال ششم در ایالتی یا نهم در ایالتی دیگر، معلم در واقع یکسال فرصت شناساندن کشور آلمان را به دانش‌آموزان داشت، در حالیکه پس از آن می‌بایست در یکسال تحصیلی بخش‌ها و نواحی مختلف جهان را، بگونه‌ای که در برگیرنده هر یک از سرزمین‌ها و کشورها بطور جداگانه باشد، مورد بررسی قرار دهد.

یادگیری بهتر و آسان‌تر از واقعیت‌های امر، یا به‌بیانی شرایط و احوال واقعی و قابل لمس (Sachverhalt) نواحی دورتر می‌شدند. همچنین آنها معتقد بودند که در پایان سال هشتم تحصیلی، هنگامی که اکثر دانش‌آموزان مدرسه را ترک می‌کردند، جهان برای آنها یکبار هم که شده به نمایش درآمده بود.

در مقاطع بالاتر تحصیل، تدریس جغرافیا با عنوان «سیری برگرد زمین» (Gang um die Erde) ادامه داشته که در آن، مطالب بگونه موضوعی و تخصصی در حیطه مسائل معین گنجانده شده بودند. در سال نهم تحصیلی بار دیگر جغرافیای آلمان در سطحی وسیع‌تر ارائه و در سال دهم «کلان فضاها» (Grossräume) به بیان دیگر نواحی یا مناطق بزرگ در اروپا به بحث گذاشته می‌شدند.

در سیکل دوم (Oberstufe) که امروزه بدان «دومین مرحله از مرحله دوم آموزشی» گفته می‌شود، برای مثال در سال یازدهم «مناطق طبیعی و فرهنگی در کمربندهای جغرافیایی کره زمین» (Erdeder Natur- und kulturraume in den Landschaftsgurtern) که به معنای چشم‌انداز مناطق طبیعی و نواحی فرهنگی در سطح زمین می‌باشد، و در سال دوازدهم «قدرت‌های جهانی و کشورهای در حال توسعه» (Weltmächte und Entwicklungsländer) در سال سیزدهم، یعنی آخرین سال دبیرستان، «ساختارهای چشم‌انداز و پرسش‌های

هرچه از کشور آلمان دورتر می‌شدند، بر تعداد «واحدهای فضایی» افزوده شده و چاره‌ای جز اینکه مطالب کاملاً بصورت کلی ارائه شوند، نبود و بدین ترتیب وقتی برای توضیح دقیق جنبه‌های گوناگون موضوع باقی نمی‌ماند. بخاطر همین محدودیت در وقت به ناچار رضایت می‌دادند که مطالب را کوتاه و مختصر طرح کرده و سپس به موضوع دیگری از درس بپردازند. وانگهی دانش‌آموزان گهگاه با موضوعاتی سروکار پیدا می‌کردند که همواره برای آنها پیچیده و مبهم باقی می‌ماند. از دیگر سو، در تمامی چشم‌اندازها، جنبه‌های مشابه‌ای بررسی می‌شدند، هر چند که مؤلفین کتاب‌های درسی و معلمان می‌توانستند خود را با روش و مطالب آموزشی هر سال تحصیلی هماهنگ کنند، اما مشکل کماکان به قوت خود باقی می‌ماند. دیگر اینکه، تغییرات چندانی در میزان سختی و نیز پیوندهای لازم بین مطالب صورت نگرفته و از این رو ارتباط منظم و منطقی با افزایش سن و نیز قدرت فراگیری در مجموعه تفکرات دانش‌آموزان برقرار نمی‌شد. بدین ترتیب اصل کلی آموزش که بر مبنای افزایش تدریجی قدرت یادگیری و استعداد استوار است، یعنی از موضوعات «ساده به پیچیده» (Vom Einfachen Zum Komplexen) و از «مشخص و محسوس به مجرد یا انتزاعی» (Vom Konkreten Zum Abstrakte) جریان دارد، نمی‌تواند معیار دقیقی جهت نظم محتوایی مطالب کتب درسی باشد و کاربرد چندانی هم ندارد. بالطبع مباحث درسی بجای اینکه حاوی درک ارتباط بین موضوعات و پیوند میان مسائل باشند، صرفاً درگیر یادگیری ساده آنها بودند.^{۱۵}

۲-۲. تحولات بنیادین در آغاز دهه ۱۹۷۰

مشکلات یادشده و نیز برخی دیگر از معضلات و همچنین دوری مطالب از جغرافیای علمی، افزایش نارضایتی از جغرافیا را در مدارس کشور آلمان موجب گردید که بالطبع در نشست‌های متعدد به بحث گذاشته شدند. بدنبال آن پیشنهادات بسیاری در میزان و نحوه تغییرات مطرح و سرانجام زمینه حرکت بسوی آموزش جدیدی از جغرافیا براساس و مبنای کاملاً نو در دهه ۱۹۷۰ فراهم گردید. بدین ترتیب یکی از اهداف، که «درک و یادگیری» مطالب بود، بطور جدی تر مدنظر قرار گرفت. اما چون متون درسی فاقد آن چنان محتوایی بودند که بتوان بدین هدف دست یافت، لذا می‌بایست بهر شکل ممکن موضوعات و مطالب برای دانش‌آموزان طبقه بندی می‌شدند تا نمودی از یک رشته علمی باشد. از این رو هدف اصلی و دیگر آموزش جغرافیا «تطابق با علاقه رفتاری» دانش‌آموز در نظر گرفته

شد. منظور از «تطابق با علاقه رفتاری»، در معنی و مفهوم «ایجاد آمادگی ذهن در جهت برنامه ریزی کار و هماهنگی با سرشت و علاقه‌مندی دانش‌آموز» به جهت استفاده بهینه از مهارت‌ها و آگاهی‌های اکتسابی از مطالب درسی می‌باشد.^{۱۶} آنگاه در این راستا کوشش شد تا از موضوعات مناسب و نیز هماهنگ با علاقه رفتاری دانش‌آموزان استفاده بعمل آید. بالطبع مطالب در چنین چهارچوبی انتخاب و تدوین گردیدند.^{۱۷} همچنین باید امکان میزان سنجش رسیدن به اهداف مذکور و نیز قابلیت آزمون آن برای معلمان فراهم باشد. از آنجا که جغرافیا به منزله «علم فضا» و یا شاید «مکان» (Raumwissenschaft) تعریف شده، از این رو اهداف مورد نظر در چهارچوب «فضای جغرافیایی» مطرح می‌شدند، که برای مثال می‌توان از «درک روابط علت و معلولی و مناسبات متقابل عوامل اثرگذار فضایی» یاد کرد.^{۱۸} اما از سوی دیگر اهداف کلی - بیان شده کاملاً انتزاعی و مطلق بودند و بالطبع می‌بایستی آنها را بشکل واضحی مشخص و معین می‌کردند، تا بتوان محتویات مطالب درسی به‌تحریر درآمده و نهایتاً به آزمایش گذاشته شوند. از این رو بود که مجموعه کاملتری از اهداف آموزش پا گرفت.

همچنین در این برهه، همانند دو دهه گذشته، موضوعات و مطالب، براساس موردشناسی هر یک از بخش‌های جهان، چون «جغرافیای ناحیه‌ای» (Landerkunde) انتخاب نمی‌شدند،^{۱۹} بلکه موضوعات باید از چهارچوب اهداف آموزشی مشخص شده‌ای پیروی کرده بسوی بیانات کلی، اما با قابلیت تعمیم زیاد، هدایت شوند. این روش به معنای بازگشت مجدد از جغرافیای ناحیه‌ای بسوی جغرافیای عمومی (Allgemein Geographie) بود. بعلاوه موضوع و نیز محتوای مطلب باید بدلائیل «روش تدریس» با حیطه تجربی دانش‌آموزان پیوند داشته و انسان در مرکز ثقل مطالعات قرار گیرد. بنظر می‌رسد که یکی از روش‌های مناسب بکاربرده شده در این راستا، اقتباس و پیروی از اصول برنامه‌ریزی شهری بوده است.^{۲۰} بدین ترتیب حیطه‌های زندگی انسانی به «کارکردهای اساسی هستی» (Daseinsgrundfunktion) یا «کارکردهای اساسی زندگی انسانی» متفاوت تقسیم می‌شدند.^{۲۱} این کارکردها هر یک بنوبه خود به منزله حیطه‌های وسیع و جداگانه‌ای قابل درک اند که باید هر یک از فضاها یا تأسیسات زیربنایی در خور خود را داشته باشند. پس عنوان درس باید براساس این حیطه‌ها نظم یافته و طبقه بندی شوند. برای مثال دانش‌آموزان به بحث و گفتگو درباره نحوه استقرار و زندگی انسان‌ها در جهان می‌نشستند و یا مورد شناسی‌هایی در چهارچوب مبحث جغرافیای شهری در نواحی

FUNDAMENTE



Klett



مختلف جهان در همین راستا ارائه و سپس جنبه‌های دیگری از موردشناسی‌های فضایی به بحث در آمدند. طولی نکشید که این روش نیز مورد انتقادات شدید قرار گرفت. بخصوص اینکه با بکارگیری این روش دانش آموزان نمی‌توانستند چهره‌ای کلی از زمین بدست آورند، بلکه فقط متوجه جنبه‌هایی خاص از هر موضوع در ارتباط فضایی خود می‌شدند که آن را به تحلیل در آورند و تازه آن هم در یک مقیاس کلی و وسیع بادیدگاه‌های مختص به خویش که صرفاً «لمس» می‌شدند تا «درک». همچنین در این روش به موضوع «توپوگرافی» چنان توجه‌ای نمی‌کردند. دیگر انتقادات وارده عبارت بودند از:

- طبقه‌بندی موضوعی مطالب بر مبنای «کارکرد اساسی زندگی انسانی» یک امر اجباری نیست.

- مهم‌ترین طرح مساله می‌تواند بی‌رنگ جلوه کند یا حتی محو شود.

- و نهایتاً بکارگیری مداوم چنین روشی خسته‌کننده خواهد بود. مسائل فوق و نیز دیگر نقطه ضعف‌های این روش سبب شد تا مشکل اصلی و طرح اولیه خود در همه جا قابلیت اجرا نداشته و مورد قبول قرار نگیرد. از این رو روش مذکور در بسیاری از ایالات آلمان مورد تجدیدنظر قرار گرفت. برای مثال: در آن تمرینات توپوگرافی گنجانیده شد. موردشناسی ناحیه‌ای و فضایی فقط «کلان‌فضا» (یا ناحیه بزرگ) و گاه در قالب یک قاره انتخاب گردیدند و تحلیل‌های ناحیه‌ای ویژه‌ای بکار گرفته شدند، تا بلکه بتوان از این طریق دیگر جنبه‌ها و دیدگاهها نیز بطور نسبی به تبیین، مقایسه و تحلیل درآیند. چون آموزش جغرافیا در هر یک از ایالات همچون نظام آموزشی آنها، اشکال گوناگونی داشت، بالطبع تغییرات بوجود

آمده در این روش هم متفاوت بودند. اما با این وجود یک تحول بنیادیه و همه جا گستر در آموزش جغرافیا صورت گرفت، که آن را از صورت یک «رشته حفظی» (Lernfach) - با هدف یادگیری صرف مطلب که فقط جنبه ارائه اطلاعات علمی را داشت - به یک «رشته فکری» - «درک عمیق مطلب» (Denkfach) درآورد. بدین ترتیب این برداشت طرز نگرشی به جغرافیا اعتباری خاص بخشید، و آن را بصورت دانش مطرح کرد که به کار حل مشکلات درآمده و نیز استعدادها و علائق در این راستا برمی‌انگیزد. کتاب‌های درسی و دیگر منابع کمک درسی، برخلاف گذشته، دیگر در برگیرنده مطالب صرفاً حفظی یا مطلق گویی‌های محض بگونه «متون دستوری» (Autoritative Texte)، که باید آموخته و نه فهمیده می‌شدند، نبودند. افزون بر این منابع درسی بی‌شمار حاوی ماده اولیه - نقشه‌ها، اطلس‌ها، نمودارها، عکس‌ها و جداول با اشکال گوناگون و مطالب متنوع می‌شدند، که باید در کلاس درس جغرافیا مورد بررسی، تحلیل و ارزیابی قرار گیرند و به کمک آنها هر یک از مسائل مربوطه و جنبه‌های کاربردی آن مطالعه گردند.

۳- نظریات و روش‌های کنونی آموزش جغرافیا

امروزه جایگاه و نقش جغرافیا در تعلیم و تربیت، فرهنگ، مسائل مربوط به روش تدریس و برنامه دوره‌های تحصیلی مرتباً مورد بحث و تبادل نظر معلمان، دبیران و اساتید دانشگاه‌های آلمان قرار می‌گیرد.^{۲۲} از این رو جای تعجب نیست که در این زمینه دیدگاه‌های خاص و گاه اختلاف نظر و سلیقه‌های بسیار مطرح شوند. از آنجا که معلمان و روش‌شناسان آموزشی (علمای تئوری آموزش) کشور آلمان شرقی سابق نمی‌توانستند در بحث‌ها و جلسات آن زمان (پیش از اتحاد دو آلمان)، که روش تدریس جغرافیای کنونی را بوجود آورده است، شرکت کنند، لذا سنت و روش خاص خویش را کماکان حفظ نموده‌اند، که این امر تفاوت در برداشت‌ها و دیدگاه‌های امروزه را بیشتر کرده است. از سوی دیگر ساختار فدرال آموزشی نیز بنویه خود بر این تفاوت‌ها و ایجاد یک طیف خاص از اصول آموزش هر ایالت دامن زده است. بنابراین در اینجا از یکسو برنامه‌های آموزشی یادآور گذر از جغرافیای ناحیه‌ای یا «ناحیه‌شناسی جغرافیایی» سابق می‌باشند و از سوی دیگر «خط‌مشی‌های کلی» یا «شرح وظایف» هر رشته تحصیلی، که زیربنا و چهارچوب زمینه مسائل جغرافیای عمومی نامیده می‌شدند، در کنار و گاه مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. بالطبع در این زمان «جغرافیای عمومی با روش و کلام ناحیه‌ای» دنبال و طرح می‌شود. جهت درک بهتر از اصول و برداشت‌های آموزش جغرافیا

نیمه کوهستانی

۵- انسان و طبیعت در سرزمین های

کوهستانی و مرتفع

۶- طبقه بندی اقتصادی و

شبکه حمل و نقل در آلمان

۷- ایالت آزاد ماساکسن

۱- اروپا در یک نگاه

ششم

۲- اروپای شمالی

۳- اروپای غربی

۴- منطقه آلپ

۵- شرق اروپای مرکزی و اروپای

شرقی

۶- اروپای جنوب شرقی

۷- اروپای جنوبی

۸- اروپا در جریان تغییر و تحول

هفتم

۱- حرکات زمین و پیامدهای آن

۲- آسیا: بزرگترین قاره جهان

۳- ساخت پیکره زمین و پویایی

لیتوسفر

۴- آسیای شمالی و مرکزی

۵- آسیای شرقی

۶- آسیای جنوبی و جنوب شرقی

۷- آسیای غربی

۸- استرالیا، اقیانوسیه و مناطق قطبی

هشتم

۱- مناطق (زون های) اقلیمی و

۲- نواحی و کشورهای انتخاب شده

از آفریقا و نحوه بهره برداری از آنها

۳- دو قاره آمریکا

۴- ایالات متحده آمریکا و کانادا

۵- آمریکای لاتین

۶- مسائل کشورهای در حال توسعه

نهم

فاقد درس جغرافیا

دهم

۱- مناطق (زون های) جغرافیایی

۲- تغییر زمین بر اثر فرایندهای

در آلمان سه ایالت ساکسن، بادن- ورتمبرگ و نوردراین- وست فالن را چکیده وار مرور می کنیم:

۱-۳- ایالت ساکسن: از نظر قالب بندی برنامه آموزشی، این ایالت

خود شدیداً متأثر از روش سنتی کشور آلمان شرقی سابق است. در

«اولین مرحله از مرحله دوم آموزشی» طبقه بندی موضوعی عمدتاً متکی

بر دیدگاه های جغرافیای ناحیه ای می باشد، هر چند نگاه طرح مسائل

جهانی چنین طبقه بندی ناحیه ای را برهم می زند، (جدول شماره ۱)

برای مثال در سال اول تحصیلی این دوره، آموزش جغرافیا بر اساس

«جهت بخشی اولیه بر روی زمین و کسب آگاهی از سطح زمین»

استوار می باشد، که بنظر می رسد در آن اصل «از نزدیک به دور» رعایت

شده، و این همان است که سابق بر این در آلمان غربی نیز مطرح بود.

آموزش جغرافیا با عنوان «سیری برگرد زمین» از کشور آلمان شروع و

سپس اروپا، آنگاه آسیا، و اقیانوسیه و در آخر

(این دوره تحصیلی) آفریقا و آمریکای شمالی و جنوبی مورد مطالعه

و بررسی قرار می گیرند. اما موضوعات برگزیده شده در این روش،

مطابق با موضوعات جغرافیای ناحیه ای سابق بر این نیستند. در حال

حاضر دیگر هر کشور و سرزمین تک به تک با موضوعات و موارد

مشابه مطالعه نمی گردند، بلکه مورد شناسی های فضایی از

خرده نواحی گوناگون انتخاب شده و در هر یک از موارد، زمینه مسائل

موضوعی دیگر به بحث درمی آیند. با این تفاوت که در این رابطه تکیه

بر موضوع و مسأله ایست که از دیگر موضوعات و مسائل مهم تر

جدول شماره ۱: سرفصل موضوعی و کلی مطالب درس

جغرافیا در ایالت نیدرساکسن

سرفصل ها

مقطع تحصیلی

۱- سیاره ما زمین

پنجم

۲- جهت یابی و شناخت از کشور

آلمان

۳- انسان و طبیعت در سرزمین های

کم ارتفاع (پست)

۴- انسان و طبیعت در سرزمین های

جهان

Schöningh Erdkunde



21572

7.
Schuljahr

طبیعی

آنها

فضایی

فرهنگی موطن خویش

یازدهم

انسان بر روی زمین

(دروس پایه و عملی)

دوازدهم

(دروس پایه و عملی)

ماخذ:

Lehrplan Gymnasium. Geographie klassen 5 - 12.

Sächsische Staatsministerium für Kultus. 1992

باشد. ۲۳ این برداشت و دیدگاه چندان تفاوت عمده‌ای با ایالت بادن-ورتمبرگ ندارد مگر در طبقه‌بندی مطالب و موضوعات کتاب درسی.

۲-۳. ایالت بادن-ورتمبرگ: در اولین سال ارائه درس جغرافیا، مطالب اختصاص به آن ایالت دارد، سپس در سال بعد کشور آلمان و قاره اروپا مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در سال هفتم مدرسه، جهان بر اساس مناطق مختلف طبیعی زمین (ژئوزون) طبقه‌بندی شده و دانش آموزان، مناطق گرمسیری (حاره)، مناطق نیمه‌گرمسیری (حاشیه‌ای)، مناطق خشک و نهایتاً مناطق قطبی (سردسیری) را با تأکید خاص بر نحوه بهره‌برداری انسان از این فضاها مطالعه می‌کنند (جدول شماره ۲). سرانجام در سال هشتم تحصیلی تقسیم‌بندی فضایی جهان بر اساس مقوله‌های سیاسی مبنای درس قرار می‌گیرد و کشورهای هندوستان، چین، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و نیز روسیه مورد شناسی‌های درسی هستند. در حقیقت کشورهای که از نظر سیاسی، اقتصادی و یا جمعیتی از اهمیت بیشتری در دنیا برخوردار می‌باشند، بعنوان مثال‌ها و موردهایی با موضوعات خاص مطرح می‌شوند که در اینجا نیز طرح مسائل در زمینه‌های گوناگون، موضوع کار قرار می‌گیرند. برای مثال: در مورد هندوستان رشد جمعیت و مشکلات توسعه، در مورد ژاپن خطرات حاصل از بلایای طبیعی و شرایط صنعتی شدن، در مورد روسیه مسائل و مشکلات «عمران سرزمین‌های جدید» (Raumerschließung) توسط دولت.

در دو سال آخر این دوره تحصیلی درس جغرافیا ارائه نمی‌شود. در یک مقایسه تطبیقی برنامه آموزشی جغرافیا در دو ایالت مذکور روشن می‌گردد که در ایالات بادن-ورتمبرگ کلیات و نیز تمامی نواحی بزرگ دنیا (کلان‌فضاها) به مطالعه و بحث گذاشته نمی‌شوند، بلکه در چهارچوب مناطق طبیعی زمین (ژئوزون)، آموزش جغرافیا صرفاً به «نواحی بسیار مترکم به لحاظ زندگی انسان» (مناطق پرجمعیت) محدود می‌گردد. از این رو به مباحث مربوط به آفریقا و آمریکای لاتین - با توجه به چنین دیدگاهی - بگونه اجمالی نگریسته شده و فقط بخش‌های با اهمیت و پرجمعیت آنها بررسی می‌شوند. مطالعه واحدهای جغرافیایی، بشکل کشورها، و مناسبات سیاسی بین آنها صرفاً دربرگیرنده اروپا و برخی از «برقدرت‌ها» می‌باشد. در اینجا نیز کوشش در ارائه یک تصویر بهم پیوسته و کلی از جهان صورت‌نپذیرفته، بلکه به جرأت می‌توان اعتراف کرد که هنوز جنبه‌های ناشناخته‌ای در جهان وجود دارند که از آن بی‌اطلاع هستیم. از این رو گزینشی از پدیده‌ها و جنبه‌های مهم جغرافیایی انجام می‌گیرد.

جدول شماره ۲: سرفصل موضوعی و کلی مطالب درس جغرافیا در ایالت بادن- ورتمبرگ

یازدهم زمین
۱- مبانی و بستر طبیعی زندگی انسانی بر روی

دوازدهم و سیزدهم دروس پایه
۱- شرایط و نیروهای اثرگذار فضایی در ارتباط با ساختارها و فرایندهای اجتماعی-اقتصادی، در کشورهای صنعتی اروپا
۲- شرایط و نیروهای اثرگذار فضایی در ارتباط با ساختارها و فرایندهای اجتماعی-اقتصادی، در کشورهای روبه توسعه
۳- ساختارهای اقتصاد و تجارت جهانی

دروس عملی
۱- ساخت و اشکال سطح زمین به منزله حاصل
۲- هوا و اقلیم به منزله پیامدهایی از گردش عمومی جو
۳- کمربندهای گیاهی و منطقه (زون) بندی خاکهای جهان
۴- هجوم و دستبرد انسان به طبیعت
۵- چشم انداز کشاورزی آلمان
۶- ارتباط و تأثیر صنعت بر فضا
۷- قلمروهای فرهنگی قدیم و جدید جهان
۸- روسیه و کشورهای همسایه آن
۹- شرایط و نیروهای اثرگذار فضایی در ارتباط با ساختارها و فرایندهای اجتماعی در کشورهای روبه توسعه
۱۰- توسعه شهری، شهرگرایی و نظم دهنی فضایی

۱۱- تحلیل های ساختاری یک فضا

ماخذ:

1-Bildungsplan für das Gymnasium. Kultus und Unterricht. Amtsblatt des Ministeriums für Kultus und Sport. Baden- Württemberg. Stuttgart, den 21. Feb. 1994.

۳-۳- ایالت نوردراین- وست فالن: آموزش جغرافیا در مدارس این ایالت کاملاً از دو مثال فوق متفاوت می باشد. در جغرافیای مدارس این ایالت هیچ یک از نواحی و فضاهای جغرافیایی به بحث گذاشته نشده، بلکه حوزه ها و مسائل گوناگون در زمینه جغرافیای

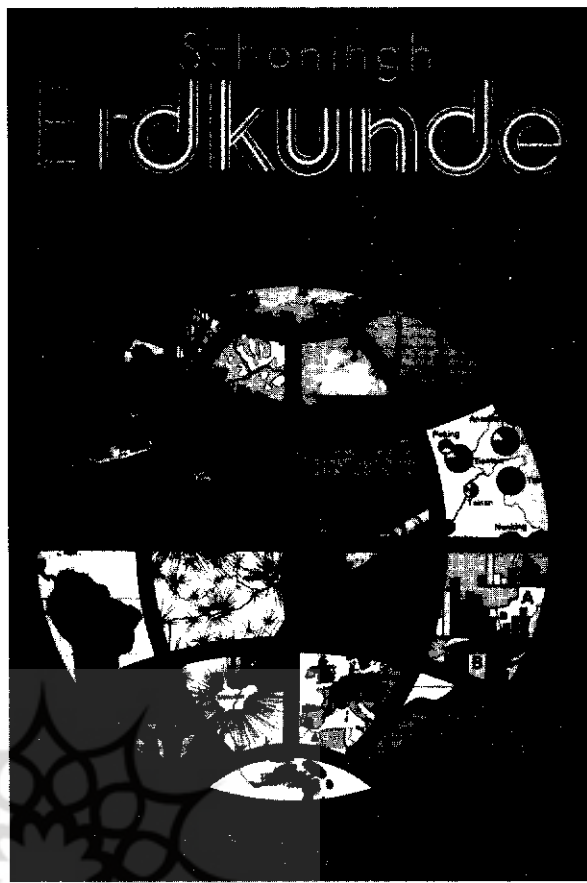
مقطع تحصیلی پنجم بر روی زمین در بادن- ورتمبرگ
سرفصل ها
۱- جهت یابی و توجیه هدفمند
۲- طبیعت و انسان در موطن خویش
۳- چشم اندازها در بادن- ورتمبرگ
۴- شهرهای بزرگ و مناطق صنعتی

ششم در اروپای مرکزی فضاهای بزرگ
۱- جهت یابی و توجیه هدفمند
۲- فضاهای برگزیده از آلمان
۳- قاره اروپا: گزینه های گوناگون از
۴- رشد تمامی و همزمان اروپا؛ فرصت ها، امکانات و مسائل آن

هفتم فضاهای طبیعی منطقه استوایی، نحوه بهره برداری، مسائل و خطرات آنها
۲- مناطق خشک جنب مداری به منزله فضاهای طبیعی و اقتصادی

۳- مناطق قطبی
۴- مناطق اقلیمی و گیاهی جهان
۱- چین و هندوستان، پرجمعیت ترین
۲- ژاپن یک قدرت اقتصادی
۳- ایالات متحده آمریکا
۴- روسیه و کشورهای همسایه آن
۵- قلمروهای فرهنگی

نهم فافد درس جغرافیا
دهم فافد درس جغرافیا



عمومی مورد مطالعه قرار می گیرند که در بخش هایی از آن طرح مسائل مربوط به «کارکردهای اساسی زندگی انسانی» خود را نشان میدهند. زمینه مسائل مطرحه کاملاً عمومی و کلی بوده که بدنبال آنها بحث های تخصصی مطرح می شوند (جدول شماره ۳).^{۲۴} از این رو موضوعات تعیین شده در برنامه آموزشی جغرافیا دارای محتوای «جغرافیای عمومی» بوده، که در هنگام تدریس - در کلاس درس - باید به کمک مثال های مکانی و ناحیه ای به بحث در آیند تا مطالب برای دانش آموزان کاملاً روشن گردد. بنابراین موردشناسی ها در هر یک از فصول درسی و طرح موضوعات ارائه شده، متفاوت می باشند، بطوریکه دانش آموزان در یک جلسه درس، مورد آفریقا و در جلسه دیگر، همان موضوع و محتوا را با مورد آمریکای جنوبی آشنا می شوند. از این رو معلمان در انتخاب موردشناسی ها و ارائه مثال ها در جهت تکمیل و بسط مطالب از آزادی عمل بالنسبه زیادی برخوردارند.^{۲۵} در پایان هر درس و زمینه موضوع، یک نتیجه گیری توجیهی، هدفمند و جهت بخش در ارتباط با محتوای مطالب باید ارائه شود. برای مثال چنانچه موضوع دربرگیرنده، شناخت و آگاهی های توپوگرافیک باشد، نباید خود را صرفاً محدود به تمرینات ساده در این زمینه کنیم، بلکه تکیه مطلب بیشتر بر نظرگاه های موضوعی و طرح مسائلی قرار دارند که باید در یک سیستم فضایی ارائه گردند. بنابراین موردشناسی های مکانی

- ناحیه ای باید ضرورتاً در آن سیستم طبقه بندی شده و ارتباطات فرانا حیه ای خود را نشان دهند. از این رو برخلاف یک «تکه هایی از جغرافیا» یا «جغرافیای جزئی نگر» (Tupfengeographie) که در آن به بیان و ذکر مطالب بدون ارتباط مکانی - فضایی به قضیه نگریسته می شود، باید به «تحلیل های فضایی» (Raumanalysen) که دربرگیرنده جامعیت کلی فضاها باشند، پرداخته شده و در ضمن مطالعه آنها براساس یک دیدگاه و جنبه خاص قرار نگیرند.

جدول شماره ۳: سرفصل موضوعی و کلی مطالب درس جغرافیا در ایالت نوردراین - وست فالن

مقطع تحصیلی	سرفصل ها
پنجم گوناگون به لحاظ ساختاری	۱- همزیستی در سکونتگاه های انسانی
در مناطق صنعتی	۲- کار - تولید، و مصرف - رفع نیاز
در مناطق کشاورزی	۳- کار - تولید، و مصرف - رفع نیاز
فراغت در مناطق استراحتگاهی و گردش گاهی دور و نزدیک	۴- شکل بندی و نحوه گذران اوقات
ششم هفتم و با چشم اندازهای گوناگون هشتم	فاقد درس جغرافیا ۱- زندگی و اقتصاد در مناطق ۲- تغییر کاربردی و رهاسازی فضاها ۳- خطرات فضاها حیاتی ۴- رشد و پراکندگی جمعیت در دنیا
بعنوان یک مسأله جهانی نابسامانی و نوعی مبارزه	۵- عدم تعادل فضایی به منزله
سیاست گذاری ها	۶- زندگی و فعالیت های اقتصادی در شرایط فرهنگی - اجتماعی گوناگون ۷- اثرات فضایی خط مشی ها و

نهم
ساختارهای نوسازی و اقتصادی در یک کلان فضا
۲- حفظ طبیعت و محیط زیست
به منزله یک وظیفه همگانی

دهم
فاقد درس جغرافیا

یازدهم تا
فرایندهای اکولوژی چشم انداز
سیزدهم
۲- ساختارهای فضایی و تغییرات آن
دراثر جریانات و رفتارهای اقتصادی
۳- ساختارهای فضایی و تغییرات آن
دراثر عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی
۴- ساختارهای فضایی و تغییرات آن
دراثر جریانات و رفتارهای سیاسی
ماخذ:

1- Richtlinien und Lehrpläne für das Gymnasium. Sekundarstufe 1. in Nordrhein - Westfalen. Erdkunde. Frechen 1993.

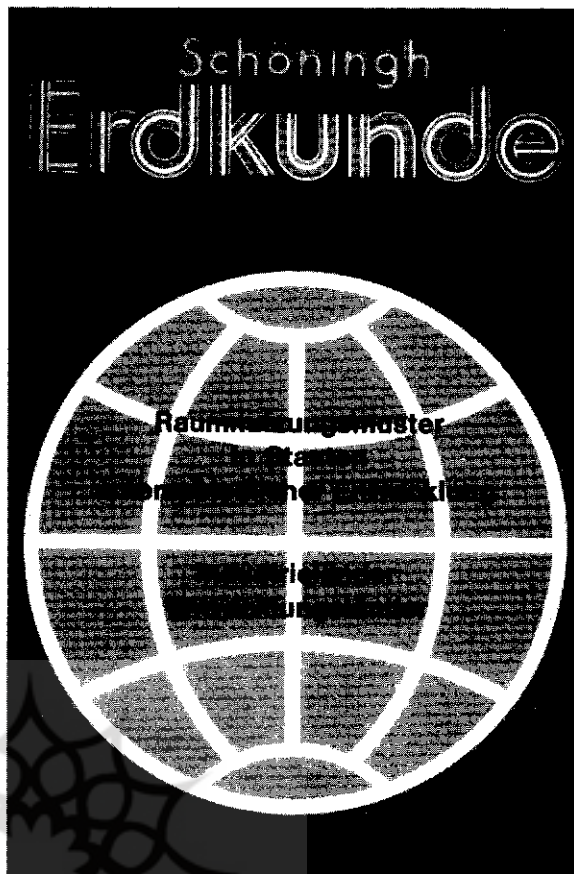
2- Richtlinien für die gymnasiale Oberstufe in Nordrhein - Westfalen. Erdkunde. Köln 1981

دریک جمع بندی کلی از هر سه مورد فوق بی شک درمی یابیم که انسان، محور و زمینه تمامی موضوعات و مطالب درس جغرافیا است. حتی جاهایی که برجسته های جغرافیای طبیعی بیشتر تکیه می شود، باید اهمیت آن برای انسان طبقه بندی موضوعی شده و به بحث گذاشته شود. برای مثال آتشفشان نبایستی صرفاً بعنوان یک پدیده زمین شناسی مطرح گردد، بلکه خطرات آن برای انسانها از طریق انفجار و فوران گداخته ها، ابرهای آتشفشانی و زمین لرزه ها، بیشتر مورد توجه قرار گیرند. درحالی که موضوعات دیگر از دیدگاهها و جنبه های «حفظ محیط زیست» مطرح می شوند. در برنامه آموزشی به صراحت آمده است که موضوعات و محتوای مطالب براساس «در رابطه - قرار دادن» (In-Beziehung-Setzen) ارائه و طرح گردد، حتی پدیده هایی که شاید بنظر پدیده یا عناصر صرفاً مربوط به علوم طبیعی باشند. برقرار نمودن چنین ارتباطی با انسان یا جامعه انسانی از یکسو سبب افزایش انگیزه یادگیری و آموزش شده و از سوی دیگر برای دانش آموزان روشن می گردد که «انسان» و «طبیعت»

بدون ارتباط و همبستگی در کنار یکدیگر قرار نگرفته و نمی توانند قرار بگیرند. بدین خاطر اجازه تدریس «جغرافیای طبیعی محض» (reine Physische Geographie) در مدارس داده نمی شود.

جغرافیای طبیعی (یافیزیکی) در مدارس کشور آلمان معمولاً در «دومین مرحله از مرحله دوم آموزشی» بتدریج جای خود را باز می کند. در این مقطع تحصیلی است که دانش آموزان معلومات و شناخت بالنسبه کافی از دیگر رشته های علوم طبیعی (چون فیزیک، شیمی، زیست شناسی) بدست آورده اند و نیز در سنی هستند که می توانند فرایندهای پیچیده را تا حدودی دنبال و تحلیل نمایند. باید دانست که در این مقطع تحصیلی نیز مسائل به انسان ارتباط داده می شود. در این ارتباط «طبیعت» چه به منزله یک «توان خطر آفرین» (Gefahrenpotential) برای ظهور و ادامه زندگی انسانی باشد و چه بعنوان «بستری مناسب برای حیات انسان». مورد دوم یا از طریق بهره برداری بهینه از منابع طبیعی آن است و یا بگونه تجاوز و دستبرد انسان ها، که در جهت نابودی ساخت و سازهای طبیعت، حرکت می کند، طرح می گردد.

در برنامه آموزشی تدریس جغرافیا در «دوره دوم متوسطه» زمینه کلی موضوعات بطور نسبتاً دقیقی مشخص شده اند (ر-ک به جدول شماره ۴). در این مقطع مطالب ارائه شده در سالهای تحصیلی باید از یک طبقه بندی موضوعی تبعیت نموده و مابین آنها هماهنگی های لازم رعایت شود. باین وجود تفاوت هایی در هر یک از ایالات دیده می شوند، برای مثال ایالت نوردراین - وست فالن از طبقه بندی موضوعات بگونه ناحیه ای اجتناب می ورزد، درحالی که در ایالت بادن - ورتمبرگ در مبحث «روسیه و کشورهای همسایه آن» و «ساختارهای فضایی - مکانی و دگرگونی های آن تحت تأثیر خط مشی ها و رفتارهای سیاسی»، مطالب مشابه ای تدریس می شوند. پس در هر دو ایالت، مورد روسیه از دیدگاه سیاست های اقتصادی و عمران دولتی به بحث درمی آیند، اما بادو روش متفاوت. در مجموع باید گفت که آموزش در دوره متوسطه تأکید بیشتری «بر کارکرد مقدماتی علمی» (wissenschaftspröpedeutische Funktion) به مفهوم آماده سازی ذهن در راستای کارکرد علمی دارد. از این رو پرسش های متدیک، به معنای طرح مسائل علمی براساس و طبق یک روش معین، بشکل فرایندها مورد توجه قرار گرفته و مرحله آغازین درک علمی مطلب یار رسیدن به شناخت موضوع می باشد. پس این مقطع در حقیقت بیانگر دوباره موضوعات مشابه چون «اولین مرحله از مرحله دوم آموزشی» هستند منتها با گستردگی وسیع و سطح علمی بالاتر.



جدول شماره ۴: فهرست کلی مطالب کتاب مبانی جغرافیا
برای مرحله دوم آموزش متوسطه

- طبیعت زمینه ساز زندگی انسانی بر روی زمین

- ۱- مبانی جغرافیای طبیعی
- ۲- اکولوژی چشم انداز، خطرات زیست محیطی و حفظ محیط زیست

- ساخت و جایجایی جمعیت

- ۱- رشد جمعیت جهان
- ۲- جایجایی
- ۳- ساخت جنسی و نسبی و تحول جمعیتی

- ساختار اقتصاد فضا و قرایندها

- اقتصاد زراعی
- ۱- عوامل مؤثر در فضای کشاورزی
 - ۲- نگاهی بر نواحی کشاورزی جهان
 - ۳- کشاورزی در آلمان

- مواد خام فلزی و اقتصاد انرژی

- ۱- منابع، ذخایر و دسترسی ها
- ۲- مواد خام فلزی
- ۳- موردشناسی فضایی: سرادوساراگاس (برزیل)
- ۴- اقتصاد انرژی
- ۵- مصرف انرژی، بهره‌کشی و خطرات زیست محیطی آن در سطح جهان
- ۶- اقتصاد انرژی در آلمان

- صنعت

- ۱- صنعت و پیشگامان آن
- ۲- زمینه های مکانی- فضایی جهت صنعتی شدن
- ۳- مکان گزینی صنعتی
- ۴- تغییر ارزش و سنجش در عوامل مکان گزینی
- ۵- تجمع و ترکیب صنعت
- ۶- صنعت در آلمان

- بخش سوم اقتصاد (خدمات)

- ۱- موجودیت و اهمیت
- ۲- مکان های مرکزی و مرکزیت
- ۳- بخش سوم اقتصاد و سامان دهی فضایی
- ۴- حمل و نقل
- ۵- تجارت جهانی- درهم آمیختگی کارکردی و فضاهای اقتصادی

- سامان دهی و نظم فضایی

- ۱- حوزه و وظایف
- ۲- مبانی علمی
- ۳- اهداف، حاملان و ابزار سامان دهی و نظم فضایی

در آلمان

۴- برخوردها و تضادها در اهداف

- شهر و شهرگرایی

- ۱- شهر- یک مفهوم و اصطلاح واضح
- ۲- فرایند شهرگرایی
- ۳- توسعه و تحول شهری در آلمان

- مشکلات و مسائل توسعه در جهان سوم

- ۱- کشورهای در حال توسعه: مفهوم و تیپ‌شناسی
 - ۲- نظریه‌های توسعه- راهبردهای توسعه
 - ۳- فرایند توسعه
 - ۴- اقتصاد جهانی و سیاست توسعه
- ایالات متحده آمریکا (USA)

- ۱- محیط طبیعی به‌منزله بهره‌گیری اقتصادی
- ۲- اشکال گسترش اراضی و پیامدهای فضایی آن
- ۳- اقتصاد کشاورزی در آلمان
- ۴- اقتصاد صنعتی و ساختار فضایی آن
- ۵- مسائل و مشکلات اجتماعی از دید جغرافیا

- اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، اتحادیه کشورهای غیرمتعهد

- ۱- توان فضایی طبیعی، زمینه‌ساز فرایندهای شکل‌دهنده فضا
- ۲- گسترش، عمران سرزمین‌های جدید و نحوه سکونت‌گزینی
- ۳- مبانی نظام اقتصادی
- ۴- اقتصاد کشاورزی
- ۵- صنعت
- ۶- جمعیت و توسعه شهر
- ۷- موازنه در سال‌های اخیر

- دیدگاهها و برداشت‌ها در روش تدریس جغرافیا

از سوی دست‌اندرکاران و متخصصان علم آموزش جغرافیا در کشور آلمان نظریه‌های بسیاری ارائه شده که همگی بر روش‌های کلی و نیز قالب‌بندی آموزش جغرافیا در حال حاضر اثر گذاشته و احتمالاً چهارچوب برنامه‌های آموزشی در آینده را نیز بوجود خواهند آورد. یکی از این نظریه‌ها مربوط به جایگاه و نقش این رشته علمی می‌باشد، که:

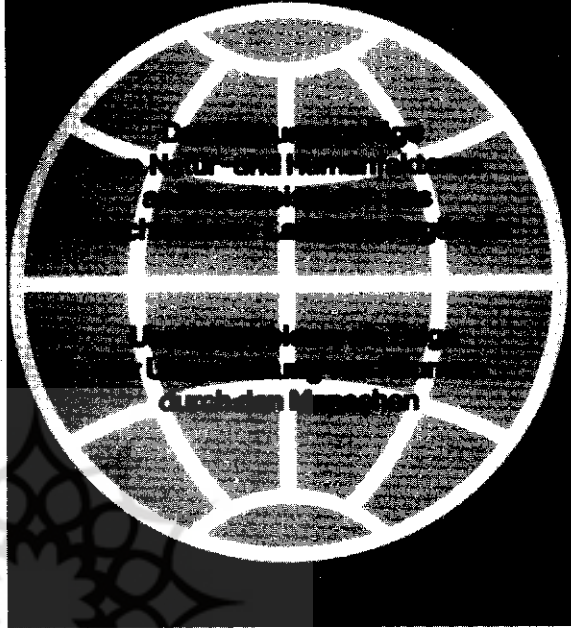
- آیا وظیفه آموزش جغرافیا، دادن اطلاعات و آگاهی‌های جغرافیای علمی محض است تا دانش‌آموزان بتوانند در چهارچوب رشته علمی تحصیلی به‌خود جهت دهند؟

- آیا آموزش جغرافیا باید مبانی علمی این رشته را به‌شکلی که برای دانش‌آموزان درک آن امکان‌پذیر باشد، ارائه دهد و مطالب در صورت لزوم و امکان باید بگونه پیوسته و گره‌خورده بسوی مباحث دانشگاهی حرکت داده شوند؟

- آیا جغرافیای مدارس باید هم دارای جهت علمی و هم انعکاسی از ساختار رشته تحصیلی را در برداشته باشد؟

- و یا اینکه جغرافیای مدارس وظیفه دیگری عهده‌دار است؟

برای مثال: آیا آموزش جغرافیا در چهارچوب توان خود باید ضمن توضیح هدفمند موضوعات به‌دانش‌آموزان جهت داده آنان را با مسائل کلی سطح زمین آشنا ساخته و نیز استعدادشان را در برخورد با موضوعات و مسائل اجتماعی و طبیعی پیرامون خود، پرورش دهد؟ اگر چنین است باید جغرافیا بگونه یک «رشته تحصیلی ائتلافی» (Integrationsfach) یعنی دانشی که با دیگر علوم همزیستی نزدیکی دارد، درآید و حتی در یکدیگر ادغام شده و شاید هم بصورت «میان‌رشته‌ای» (Interdisziplinär) عمل می‌کند. از این‌رو به‌دانش جغرافیا در سطح مدارس آلمان اجازه نمی‌دهند که به شکل «بشقابی از موضوعات» (Themenplatte) درآمده و نیز خود را به‌نظریه‌های جغرافیایی علمی محض محدود نماید. زیرا امروزه در آموزش جغرافیا موضوعات و مسائلی مطرح می‌شوند که مورد توجه دیگر رشته‌های علمی نزدیک بهم، بلحاظ محتوایی و نظریه‌ای، نیز می‌باشند، هرچند که برخی از آنها چون زمین‌شناسی، بعنوان یک درس یارشته علمی در مدرسه ارائه نمی‌شود. بویژه در حیطه مسائل انسانی-اجتماعی، هنگامیکه جنبه‌های فرهنگی، سیاسی و... مورد بحث قرار می‌گیرند، باید به‌دیگر رشته‌های علمی نیز رجوع شده تا بتوان به‌دیدگاه‌های رضایت‌بخش و قانع‌کننده‌ای در زمینه توجیه و حل معضلات دست یافت. همچنین در چهارچوب مباحث اکولوژی و حفظ محیط‌زیست چنین «ائتلاف یا یکپارچگی» به‌مراتب بیشتر و قوی‌تر می‌گردد. این روش جایگزین شکاف و نیز انشعاب سنتی بوجود آمده بین چند رشته علمی گوناگون شده تا مانع از تفکیک بسیاری از موضوعات به‌منزله پرسش‌های بی‌ربط با درس گردد. همچنین آن بخش از حیطه‌های زندگی که مستقیماً توسط دانش‌آموزان قابل لمس و تجربه‌اند، بهتر است بگونه «ائتلافی و یکپارچه» ارائه و درک شوند، تا اینکه بخواهند جدا از یکدیگر و براساس روش‌ها و رشته‌های گوناگون علمی و حتی نظام‌های آموزشی متفاوت مطرح گردند. به بیان دیگر ترجیح داده می‌شود که مطالب همچون یک «آواز چندصدائی» چون «گروه کر موسیقی» درآید. انتقادی که بر «آموزش ائتلافی» وارد می‌شود، این است که، مطالب درسی عمدتاً بشکل یک موضوع یا ماده اولیه که درحقیقت برای دانش‌آموزان به‌نمایش درمی‌آید، مطرح و درک می‌گردند. از این‌رو دانش‌آموزان آن‌گونه که بایسته و شایسته است موضوعات را نمی‌توانند در ارتباط مشخصی قرار دهند و بالطبع محتویات مطالب



محدود ساخت. بدین ترتیب، بنظر می‌رسد که «روش تدریس ائتلافی» شرط و اساس کار آموزش باید تلقی شود. در برنامه جدید آموزشی ایالت نیدرساکسن کوشش بعمل آمده تا «با برانگیختن احساس مسئولیت» معلمان و دانش‌آموزان، مسائل کلیدی به تبیین و تحلیل درآیند. از جمله:

«حفظ محیط زیست» (Bewahrung der Umwelt) و «همزیستی انسان‌ها در یک جهان» (Zusammenleben der Menschen in der Einen Welt) و «پذیرش تنوع نواحی ای در جهان» (Akzeptanz der regional vielfältigen Welt)

- بدین طریق «زمینه‌های یادگیری و درک توجیهی مطالب» فراهم شده و همچنین می‌توان سطح کیفی درس و نیز سطح علمی دانش‌آموز را افزایش داد. این امر موجب می‌گردد تا علاقه دانش‌آموز به جهات مختلف ریشه دواند.

روش تدریس ائتلافی و همچنین روش توجیهی و جهت‌بخشی، سبب انتظارات بسیار زیاد دانش‌آموزان از معلم می‌گردد. گذشته از گسترش سطح معلومات خارج از حیطه رشته تخصصی معلم، وی نمی‌تواند در جلوی دانش‌آموزان ایستاده و صرفاً مطالب را بیان کند، بلکه بایستی با توجه به میزان علاقه و انگیزه‌های دانش‌آموزان، از پویایی لازم برخوردار باشد و کارایی و بازدهی آنها را بالا ببرد، نه اینکه بخواهد صرفاً بعنوان «آقا معلم» یا همانند یک «مجری برنامه‌های رادیو و تلویزیون» در کلاس درس حضور یابد.

ارائه مطالب بشکل سخنرانی (یا حتی روخوانی متن کتاب درسی) توسط معلم، امروزه در روش‌های تدریس مدارس آلمان نقش بسیار ناچیزی دارد. کسب معلومات جدید علمی از طریق مطالعه فشرده در هنگام تدریس در کلاس به‌اشکال مختلف چون استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نیز ارائه نمایش بوسیله دانش‌آموزان (همانند ایفای نقش در صحنه‌های تئاتر، روزنامه‌های دیواری، میزگردها و بسیاری دیگر از این‌ها)، همچنین کار با مدل‌ها، تخته‌سیاه، نقشه‌ها و اطلس‌ها نیز در آموزش جغرافیا جای خویش را بخوبی یافته‌اند. از این رو حجم کار معلم بسیار افزایش یافته، بطوریکه وی باید برای یک ساعت درس، از قبل برنامه‌ریزی نموده و خود را کاملاً آماده سازد. چون چنین حجم کاری همواره بدون یاری دانش‌آموزان صورت نمی‌گیرد، لذا باید فکری برای جهت‌دادن به آنها بشود. این فعالیت‌ها نه تنها پیش شرط و زمینه‌ای برای یادگیری مطالب و موضوعات معین برای دانش‌آموزان و نیز به جهت ارائه مجدد آنها می‌باشند، بلکه باید قابلیت کاربردی این علم را فرا گرفته و در ضمن به‌درک و شناختی کلی از جهان دست پیدا کنند. این وظیفه هر مدرسه است که آموزش

بگونه کوتاه مدت فرا گرفته شده و بیشتر آنها پس از گذشت زمانی نه‌چندان طولانی بدست فراموشی سپرده می‌شوند.^{۲۶} «توجیه و جهت‌بخشی دانش‌آموزان» در درس نه تنها خصیصه‌ها و توان آنها را به‌سنجش درمی‌آورد، بلکه با علاقه آنها پیوند برقرار می‌کند تا با هم به‌حل مسائل مشترک خود کمک کنند. بدین ترتیب در این روش چاره‌جویی و یاری در برطرف نمودن مشکل، همچون گذشته مطرح بوده و نیز دست‌یافتن به طرح مطلق مسائل مدنظر نیست، بلکه بنظر می‌رسد برقراری ارتباط در سطح تجربیات روزمره ضروری می‌باشد.

باید گفت که درخواست بکارگیری «روش توجیهی و جهت‌بخشی» دانش‌آموزان بحث تازه‌ای در روش تدریس جغرافیا نیست، چه در برخی از برنامه‌های آموزشی معتبر که از گذشته به ما رسیده است نیز مطرح شده‌اند. برقراری رابطه مابین واقعیت‌های امر یاب‌ه‌بیان دیگر ویژگیها و شرایط جغرافیای طبیعی با مسائل انسانی، درحقیقت کوششی در این راستا بشمار می‌رود. به‌رحال باید دانست که چنین روش و محتوای درسی با بکارگیری یکی از روشهای سیستماتیک طرح مسائل تدریس علمی براحتمال پذیر نمی‌باشد. تجربیات روزمره زندگی که علائق دانش‌آموزان را برانگیخته و بدان رنگ و جهت می‌دهد، را نمی‌توان در چهارچوب هر رشته علمی

جدید جغرافیا را بنحوی ارائه دهد تا این علم بتواند سهم خود را در این راستا ایفا کند. به بیان دیگر بین مدارس یک نوع رقابت سازنده نیز وجود دارد. ۲۷ و ۲۸

باورقی و فهرست منابع

- ۱- کانل. و. ف: تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم. ترجمه: حسن افشار. نشر مرکز، تهران ۱۳۶۸
- و نیز ر. ک به: مجموعه‌ای از مقالات منتشر شده در روزنامه نگاه (نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش)، بویژه سال ۱۳۷۵، از انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- ۲- برای مثال ر. ک به: مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های: ۳ (اسپانیا)، ۴ (ژاپن) ۵ (سوئد)، ۶ (اطریش) و...
- ۳- فرجی، عبدالرضا: آموزش جغرافیا در جمهوری فدرال آلمان. در: رشد آموزش جغرافیا. شماره ۲- سال ۱۳۶۴
- ۴- در زمینه مسائل و موضوعات آموزش جغرافیا در مدارس کشور آلمان شرقی (سابق) به زبان فارسی تاکنون مطلبی منتشر نشده است.

۵- مقاله حاضر بخشی از مطالعات نگارنده در زمینه نظام‌های آموزشی و تدریس جغرافیا در مدارس برخی از کشورهای جهان به مدت دو ماه اقامت در کشورهای آلمان، هلند، سوئد و سوئیس در تابستان سال ۱۹۹۶ می باشد. همچنین یکی از دلایل تدوین این مقاله با همکاری یک جغرافیدان آلمانی بخاطر پیچیدگی موضوع بود.

۶- کشور کنونی آلمان براساس آخرین تقسیمات اداری-سیاسی پس از وحدت دو کشور از سیزده ایالت با عنوان *Flachenstaat* یا *Bundesland* و سه ایالت با عنوان *Stadtland* یا *Stadtstaat* (تقریباً معادل اصطلاح «دولت شهر») تشکیل شده است. سه ایالت اخیر عبارتند از: برمن *Bremen*، برلین *Berlin* و هامبورگ *Hamburg*.

۷- از آنجا که نظام آموزشی، ارائه عناوین، موضوعات و مطالب در مدارس هر یک از ایالات از اصول فکری و علمی-آموزشی متفاوتی تبعیت می کنند، لذا کتاب‌های درسی و به تبع آن جغرافیایی برای تمامی کشور یکنواخت تدوین نمی شود. در مواردی ممکن است یک کتاب درسی در مدارس چند ایالت اجازه تدریس را کسب کند، درحالیکه در ایالات دیگر با تدریس آن موافقت بعمل نیامده و یا با در نظر گرفتن تغییراتی می توانند مورد استفاده معلمان و دانش آموزان قرار گیرند. در دوره دوم متوسطه به تعداد زیادی از کتاب‌های درسی منتشر شده در سطح کشور اجازه تدریس داده می شود و در ضمن یک نوع همگنی بیشتر در مطالب و محتویات آنها وجود دارد.

۸- تدریس در دبیرستان‌ها و مدارس مجتمع معمولاً توسط دبیران متخصص در هر رشته علمی انجام می گیرد. دبیران ضمن اینکه تحصیلات عالی خود را باید در یکی از دانشگاه‌های معتبر در دوره علمی به پایان رسانیده باشند، ضرورت دارد باروش تدریس هر رشته علمی و نیز «علوم تربیتی» آشنا و دوره‌های تخصصی آن را گذرانده باشند. علاوه برآن پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود، باید طی

دو دوره باروش عملی آموزش در یکی از مدارس کشور آشنا شده و از عهده آزمون‌ها با حداقل ارزشیابی «خوب» برآیند. معلمان مدارس ابتدایی باید در مدارس عالی علوم تربیتی تقریباً معادل دانشسراهای تربیت معلم در ایران (دوره‌های مربوطه را با موفقیت به پایان رسانیده باشند).

۹- در چهار ایالت آلمان شرقی سابق، دوره‌های آموزش ابتدایی و دبیرستان پس از گذراندن دوازده سال تحصیلی پایان می پذیرد.

۱۰- به‌موازات «گیمنازیوم» در سطح «دومین مرحله از مرحله دوم آموزشی»، مؤسسات آموزشی دیگری، چون مدارس حرفه‌ای و فنی، وجود دارند که دانش آموزان پس از گذراندن با موفقیت آن مدارس می توانند در برخی از مؤسسات آموزش عالی همانند مدارس عالی تعلیم و تربیت، مدرسه عالی فنی-مهندسی و غیره ادامه تحصیل دهند.

۱۱- اصطلاح *Erdkunde* غالباً برای درس جغرافیای مدارس آلمان در سطح ابتدایی بکار گرفته میشود. این اصطلاح در یک مفهوم کلی به معنای «علوم عمومی زمین» و از سوی دیگر نیز مترادف «جغرافیای علمی» است.

استفاده از واژه *Erdkunde* برابر «جغرافیا»، برای اولین بار توسط کارل ریتز *C. Ritter* در مهم ترین اثر خود با عنوان «علوم عمومی زمین در رابطه با طبیعت و تاریخ انسان، یا جغرافیای تطبیقی به منزله بنیانی مطمئن جهت بررسی علمی و آموزش علم طبیعی و تاریخ» بعمل آمد. چاپ اول، سال (۱۸۱۷-۱۸).

بکارگیری بیشتر این اصطلاح بلحاظ تاریخی مترادف با جغرافیا را می توان از عناوین برخی انجمن‌ها و نشریات علمی-پژوهشی دریافت نمود، برای مثال: *Gesellschaft fur Erdkunde zu Berlin* که در سال ۱۸۲۸ در آلمان تأسیس شد، و یا در هلند انجمن *Kon. Nederlands Aardrijkskundig, Genootschap* که در سال ۱۸۷۳ با گرفت.

از نظر تاریخی و سنتی نشریه علمی بسیار معتبر جغرافیایی در آلمان با عنوان: *Erdkunde-Archiv für Wissenschaftliche Geographie* منتشر گردید که بنیان گذار آن کارل ترول *C. Troll* در سال ۱۹۴۷ بود.

ماخذ:

Meynen. E.: *International Geographical Glossary, Deutsche Ausgabe.* Wiesbaden 1985. P.267

۱۲- *Heimatkunde* یا «موطن شناسی»، که در زبان انگلیسی معادل *Local studies* و در فرانسه *geographie locale* می باشد. به معنای شناخت از زادگاه یا محل اقامت دائمی فرد در طیف وسیعی از مسائل و موضوعات چون، طبیعت، تاریخ، علوم اجتماعی و فرهنگی می باشد. در مدارس آلمان درس «موطن شناسی» مرحله ماقبل جغرافیای مدارس در مفهوم *Erdkunde* و نیز کشور شناسی *Landeskunde* و همچنین مطالعات ناحیه‌ای *Länderkunde* بشمار می رود.

موطن شناسی و کشورشناسی اوصاف نزدیک بهم و در مواردی تقریباً معادل یکدیگرند. پژوهش در این زمینه، چه علمی باشد و چه توصیفی و غیر تخصصی، در حقیقت کوششی است به منظور بدست آوردن آگاهی و شناخت نسبی درباره مناسبات موجود در فضا یا مکان زادگاه هر فرد. بازتاب چنین کوششی را می توان



ماخذ:

Neef, E.: Das Gesicht der Erde, 1976 P. 655

۲۰- بر مبنای اصل کلی «مشور آتن» (Charta von Athen) در سال ۱۹۳۳، فضاهای شهری بر اساس حیطه‌های گوناگون کارکردی تقسیم شده و مناطقی با کارکرد سکونتی، کارکرد تجاری، کارکرد تولیدی، کارکرد تفریحگاهی شکل گرفتند که هرکدام از این مناطق از طریق شبکه‌ها یا سطوح ارتباطی به یکدیگر وصل می‌شدند. بدین ترتیب در اینجا بحث در زمینه جدایی یا تفکیک بخش‌ها و مناطق شهرهای جدید مطرح است. بالعکس مناطق شهرهای قدیم و حتی کهن، مشخصه‌ای بودند از درهم آمیختگی و ادغام تمامی «کارکردهای اساسی زندگی انسانی»، یعنی هم سکونت و هم تجارت یا بازرگانی کار و تولید.

ر- ک به: بوزیه، لوکو: چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن- آتن ۱۹۳۳ معرفی و برگردان: محمد منصور فلامکی، دانشگاه تهران ۱۳۵۵ مورس. جیمز: تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی. ترجمه راضیه رضازاده. چاپ سوم انتشارات دانشگاه علم و صنعت شماره ۱۹۷ تهران ۱۳۷۴

۲۱- «کارکردهای اساسی هستی» یا «زندگی انسانی» برای مثال عبارتند از: تولید مثل و در اجتماع زیستن، اقامت گزیدن، کار و تولید کردن، مصرف و رفع نیاز، آموزش، استراحت، برقراری ارتباط و... که تمامی اینها زیربخش‌هایی از جغرافیای انسانی یا به بیان دیگر جغرافیای اجتماعی بشمار می‌روند.

نیز ر- ک به: شافر، هانس: درباره مفهوم جغرافیای اجتماعی ترجمه: عباس سعیدی، مجله رشد آموزش جغرافیا.

شماره ۱۸، تابستان ۱۳۶۸ صص ۴-۸

و: رهنمایی، محمد تقی: مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (جغرافیا) مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول ۱۳۶۹ ص ۸.

۲۲- در این میان اتحادیه جغرافیست‌ان مدارس آلمان Verband deutscher Schulgeographen نقش مهمی دارند.

۲۳- برای مثال در واحد برنامه آموزشی «آسیای غربی» در سال هفتم که برای آن هفت ساعت تدریس پیش‌بینی شده، ضمن نگاهی بر جغرافیای طبیعی، نیز به «اثرات و جلوه‌های اسلام بر زندگی اجتماعی»، «پراکندگی منطقه‌ای منابع نفت و مهم‌ترین مکانهای تولید و استخراج نفت خام»، «نفت خام به منزله یک عامل سیاسی- اقتصادی»، عناوین اصلی موضوعات درس می‌باشند.

همچنین «اسرائیل و مسئله فلسطین» به بحث گذاشته می‌شود. به موازات موضوعات اجباری، موارد اختیاری هم در برنامه آموزشی وجود دارند، برای مثال در سرفصل درس «آسیای غربی» موضوع «نگاهی بر پراکندگی جغرافیایی دیگر مذاهب جهانی» هم گنجانیده شده است.

۲۴- بعنوان نمونه زمینه موضوعات فصل سوم کتاب جغرافیای مدارس سال‌های تحصیلی هفتم و هشتم در زیر آورده می‌شود:

بشکل مراکز مطالعات سرزمین یا کشور، اتحادیه‌های محلی، روزنامه‌های محلی و موزه‌های هر استان یا کشور مشاهده نمود.

۱۳- برای مثال در ایالت نیدرساکسن (Niedersachsen) عنوان کلی درس «جهان و محیط‌شناسی» بود.

۱۴- با این وجود که تاریخ و جغرافیا مشترکاً در برخی از سال‌های تحصیلی با عنوان درس «تعلیمات اجتماعی» (Gemeinschaftskunde) ارائه می‌گردید، اما بهرحال بشکل دو موضوع جدا از هم تدریس می‌شدند.

۱۵- ماخذ:

kultusministerium des Landes Baden-Württemberg. Lehrpläne für die Gymnasien. Villingen 1957

۱۶- منظور از این اصطلاح (Verhaltensdisposition)، پرورش زمینه‌های رشد فکری و دیدگاه‌های علمی در ذهن دانش‌آموز، در جهت توان‌ها و علایق آنها است، تا بتوانند تکنیک‌های کار و نیز چگونگی روابط را بگونه برداشت مستقیم از مطالب و موضوعات، دقیقاً درک نموده و قابلیت انتقال آن را بدست آورند.

۱۷-

Hausmann, W. (Hrg): welt und Umwelt. Geographie für die Sekundarstufe L. 7 u.s. Schuljahr. Westermann Verlag 1973. S.LI- LIX.

۱۸- ماخذ:

Vorläufige Lehrpläne für die Gymnasien. Lehrplanheft 12 / 1979, s.63...Ministerium für Wissenschaft und Kunst. Baden-Württemberg. Lehrplanhefte Reihe G Nr. 111.

۱۹- Länderkunde که در جغرافیای کشور انگلیسی زبان مترادف regional geography بوده و خود شاخه‌ای از جغرافیای عمومی بشمار می‌رود، به مطالعه هر یک از بخش‌ها و مناطق سطح زمین در ارتباط با تمامی پدیده‌های جغرافیایی می‌پردازد. این شاخه علمی از یکسو پدیده‌های طبیعی (فیزیکی و زیستی) و از سوی دیگر اثرات انسانی حادث شده را در پیوند جغرافیای خود مورد توجه قرار می‌دهد. اصل و روش علمی جغرافیای ناحیه‌ای بر اساس بررسی تمامی پدیده‌های جغرافیایی در ارتباطات گوناگون با چشم‌اندازهای متنوع قرار گرفته، ساختار فضاها و خرده‌فضاهای جغرافیایی را به تصویر و تحلیل درمی‌آورد. از نظر بسیاری از جغرافیادانان، جغرافیای ناحیه‌ای هدف اصلی دانش جغرافیا را شامل می‌شود. این شاخه علمی زمینه ساز درک عمیق و مشروح قانونمندیها و مناسبات ذکر شده است و نظام مطالعاتی آن دقیقاً همانند آنچه می‌باشد که جغرافیای عمومی و چشم‌انداز شناسی (Landschaftskunde) مورد تحقیق خود قرار می‌دهند. هرگاه جغرافیای ناحیه‌ای خود را محدود به یک سرزمین یا کشور یا قلمرو خاص از زمین کند، آنگاه صحبت از Landeskunde، به معنای کشور یا سرزمین شناسی، به میان می‌آید. در این حالت است که می‌تواند از چهار چوب کلی جغرافیا خارج شود (برای مثال کشور یا سرزمین شناسی تاریخی). پژوهش در زمینه چشم‌انداز فرهنگی (kulturlandschaft) در ارتباط با فصل جغرافیای ناحیه‌ای قرار می‌گیرد.

مرفصل «خطرات و بلایای فضاهای زیستی»، که خود دو زیرفصل یا موضوع را در بر می گیرد:

الف: «بهره‌کشی از توان طبیعی، انسانها را تهدید می‌کند»
ب: مناطق کم‌توان جهان بلحاظ طبیعی، فضاهای پرخطری برای زندگی انسانها بشمار می‌آیند.

هر کدام از زیرفصل‌های فوق مباحث خاصی را محور و اساس خود قرار می‌دهند.

مورد الف:

- ۱- خطرات مناطق خشک در اثر بهره‌برداری بی‌رویه،
- ۲- اقدامات در برابر بیابان‌زایی،
- ۳- فرسایش و سیلابها به‌منزله پیامدی از تخریب جنگل‌های کوهستانی،
- ۴- تسطیح و وسیع‌اراضی به‌منظور بهره‌برداری کشاورزی و صنعتی و پیامدهای جهانی آن.

مورد ب:

۱- تهدید فضاهای زیستی بر اثر لرزه‌ها و آتشفشان‌ها.

۲- اهمیت فرایندهای ژئوتکتونیک در شکل‌گیری فضاهای زیستی.

موضوعات دیگر که بعنوان مطالعه آزاد یا انتخابی از فضاها و نواحی مطرح می‌باشند، عبارتند از: ساحل، هیمالیا، جنگل‌های بارانی مناطق حاره در سطح جهان، کالیفرنیا و ...

۲۵- با این حال در برنامه آموزشی تصریح شده که موردشناسی‌ها و مثال‌های مکانی-ناحیه‌ای باید در سال پنجم از آلمان و اروپا، در سال‌های هفتم و هشتم از خارج اروپا، در سال نهم بار دیگر از اروپا، مدنظر قرار گیرند.

۲۶- حفظ نمودن مطالب، کمکی به درک محتویات نمی‌کند؛ زیرا نه تنها بر اثر مرور زمان به‌بوته فراموشی سپرده می‌شوند، بلکه قابلیت انطباق را نداشته و فاقد جنبه‌های کاربردی هستند.

۲۷- دیگر منابع:

Geographie Deutschlands. Herg. V. : Tietze, Boesler u.a. Gebruder Borntraeazer. Berlin, Stuttgart 1990 Geographisches Grundbuch für die Sekundarstufe II. Klett-Verlag, 1995

- آموزش جغرافیا، از انتشارات کمیسیون ملی یونسکو- ایران، اسفندماه ۱۳۳۴

۲۸- برخی اطلاعات آماری در زمینه آموزش و پرورش در آلمان:

الف: در سال ۱۹۹۱، بودجه دولتی اختصاص یافته به آموزش و پرورش ۱۱۱,۲۰۳ میلیارد مارک بود، که از این میزان ۸۷,۸۶۸ م.م. توسط دولت مرکزی، ۶۰۲, ۸۱ م.م. توسط ایالات و ۶۳۳, ۱۷ م.م. توسط شهرستان‌ها و بخش‌ها تأمین می‌شده است. سهم مدارس ابتدایی و دوره راهنمایی ۸۹۳, ۷، دبیرستان‌ها و مدارس مجتمع ۷۹۷, ۵۵، دانشگاهها و آموزش عالی ۷۲۳, ۳۳، سایر دوره‌های تخصصی ۳,۷۵۹، بودجه تحقیقاتی ۵,۸۲۳ میلیارد مارک بود. در همین سال هزینه‌های تحقیقاتی توسط بخش‌های دولتی و خصوصی ۸۰ میلیارد مارک بوده که از این مقدار

۱,۹ م.م. به سازمانهای بین‌المللی اختصاص داشت.

ب: در سال تحصیلی ۹۳-۱۹۹۲ تعداد کل دانش‌آموزان مدارس آلمان ۹,۳۴۲,۰۰۰ نفر بودند که از این تعداد حدود ۴۶۰۰ هزار دختر و ۴,۷۰۰ هزار پسر تشکیل میدادند. کودکان و آمادگی ۷۵ هزار، دبستان ۲,۶۰۰ هزار و مابقی در مدارس مجتمع، دبیرستانها در مقاطع گوناگون تحصیل می‌کردند.

ج: تعداد دانشجویان در سال تحصیلی ۹۳-۱۹۹۲ بیش از ۱,۸۰۰ هزار که از این تعداد حدود ۱,۷۰۰ هزار مربوط به ایالات قدیمی (آلمان غربی سابق) و حدود ۱۴۰ هزار دانشجویان در ایالات جدید (آلمان شرقی سابق) بود، در این میان ۶۰ درصد را مردان و ۴۰ درصد را زنان تشکیل می‌دادند و سهم دانشجویان خارجی ۶,۸ درصد بود. تعداد دانشجویان این سال در آلمان غربی نسبت به سال ۱۹۷۵ دو برابر و در آلمان شرقی تقریباً ثابت مانده است.

د: کل جمعیت آلمان در سال ۱۹۹۵ حدود ۸۲ میلیون نفر که از این تعداد ۶۶/۵

جدول ضمیمه: تعداد دانشجویان بر حسب رشته‌های تحصیلی در نیمسال

اول سال ۱۹۹۲/۹۳

تعداد دانشجو	رشته‌های تحصیلی	درصد
۵۲۰/۸۰۰	حقوق، اقتصاد، علوم اجتماعی	۲۸/۵
۳۸۵/۲۰۰	زبان، علوم تربیتی و فرهنگی، ورزش	۲۱
۳۹۴/۳۰۰	مهندسی	۲۱/۶
۲۹۵/۳۰۰	ریاضی، علوم طبیعی	۱۶/۱
۱۱۷/۲۰۰	پزشکی	۶/۴
۷۶/۶۰۰	هنر	۴/۲
۳۹/۱۰۰	کشاورزی، جنگلداری و تغذیه	۲/۲
۱/۸۲۸/۵۰۰	جمع	۱۰۰

میلیون نفر در آلمان غربی (سابق) و ۱۵/۵ در آلمان شرقی (سابق) زندگی میکردند. ماخذ:

Fischer Weltatmanach 1995. Hrg. M. V. Baratta. Frankfurt 1996